

دین در اندیشه امام خمینی (ره)

حجة الاسلام نبی الله ابراهیم زاده

کارشناس ارشد: کلام اسلامی

ضرورت تبیین و نشر افکار ناب بر خاسته از اسلام راستین امام (ره)، زمانی دو چندان می شود که می بینیم غرب گرایان و وابستگان فکری بیگانگان، هم صدا و هماهنگ با دشمنان خارجی و استکبار جهانی با طرح مجدد ایدئولوژی های بشری، نظیر «سکولاریسم»، «اومانیسم»، «پلورالیسم»، «لیبرالیسم» و ایسم های وارداتی دیگر به جنگ دین و خدا آمده، می خواهند انسان مدرن سکولار اندیش را به جای اسلام مترقی و خدا بنشانند و خواسته ها، انتظارات و نفسانیات او را جایگزین فرامین و احکام خدا بنمایند! و هرگز چنین مباد!

ما نیز بر آنیم در این کوتاه نوشتار در حدّ توان به طرح و تبیین اندیشه های دینی امام خمینی (ره) پرداخته، ابعاد دین شناسی ایشان را بازگو کنیم. بر این اساس، طی چند محور مهم، زیر بناها و اصول فکری - اسلامی آن اسلام شناس بزرگ دوران را ارائه می کنیم و مرئیان محترم و دیگر خوانندگان را به تدبّر و اندیشه در آن و به کارگیری اش در عمل توصیه می نمایم.

توحید؛ زیربنای تفکر دینی امام خمینی (ره)

بررسی سخنان، موضع گیری ها و تکیه گاه های کلام امام خمینی از آغاز تا سرانجام زندگی سراسر افتخار آمیزش نشان می دهد «توحید» در تفکر دینی او جایگاه ویژه - بلکه برترین جایگاه - را داشته است. امام (ره) همه حرکات، تصمیمات و کارهای خود در

زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و شؤون زندگی فردی و اجتماعی‌اش را بر شالوده اصل بی بدیل و بی نظیر دینی «توحید» شکل می‌داد و برای این اصل اساسی و بنیادی دین اسلام در همه زمینه‌ها، نقشی تعیین کننده قائل بود.

امام (ره) بر مبنای توحید و اندیشه توحیدی ناب حتی توانست شالوده یک انقلاب دینی بی نظیر دوران معاصر و کم نظیر تاریخ ادیان را پایه ریزی کرده، به ثمر برساند و حکومت دینی - اسلامی تشکیل دهد و به اهداف و آرمان‌های الهی - انسان خود که در رأس آن، هموارسازی راه سعادت و کمال انسانی در پرتو تعالیم آسمانی اسلام ناب محمدی (ص) است، دست یابد. در این جا نمونه‌هایی از سخنان امام درباره توحید را می‌آوریم.

حضرت امام در اولین سند تاریخی به یادگار مانده از خویش - که در تاریخ ۱۳۲۳/۱/۱۵ هجری شمسی - حدود هفتاد سال پیش - و در حالی که سنّ شریفشان نزدیک چهل و سه سال بود، از سوی ایشان ارائه گردید - استناد به آیه زیر که می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْقَلٌ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...»^(۱)

بگو، شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن این که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید.

قیام‌لله را یگانه راه اصلاح جهان می‌بیند و معتقد است خدای متعال در این آیه از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌ای است که پروردگار عالم از میان تمام موعظ انتخاب و این یک کلمه را به بشر پیشنهاد فرموده است. این کلمه، تنها راه اصلاح در جهان است.

آری، قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلّت رسانید و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رها کنید. قیام برای خداست که موسی کلیم الله را با یک عصا، بر فرعونیان چیره کرد و تمام تاج و تخت آن‌ها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب کشانید. قیام لله است که خاتم النبیین (ص) را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت، غلبه داد و بت‌ها را از خانه خدا برانداخت و توحید و تقوا جایگزین آن ساخت و نیز آن ذات مقدّس را به مقام قرب قوسین آواذنی رسانید.^(۲)

هنگامی که امام در نوفل لوشاتو - دهکده نزدیک پاریس - اقامت داشتند و در تاریخ

۱۸/۱/۱۳۵۷ آن گاه که خبرنگار «تایمز لندن» از عقاید و اندیشه‌های دینی و اعتقادی امام پرسید، در پاسخ فرمود:

«ریشه و اصل همه عقاید (که در قرآن کریم آمده و یا پیامبر اسلام(ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند) و مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ما، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوامل وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق، مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز.»^(۳)

نیز امام تکیه بر توحید و محور قرار دادن آن در صحنه زندگی را به عنوان هدف بعثت انبیا معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«آنچه که انبیا برای آن مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر، مقدمه آن است، بسط توحید و شناخت مردم از عالم است...»^(۴) تمام مقاصد انبیا، برگشتش به یک کلمه است و آن معرفه الله است.^(۵)

امام، تفکر توحیدی را منشأ و مبنای پیدایش انقلاب اسلامی می‌داند که خود با تکیه بر همان دیدگاه توحیدی ناب و در پرتو عنایات و امدادهای غیبی و توجهات خاصه ولی الله اعظم؛ امام عصر(ع) و نیز با همراهی و ایثارگری امت مؤمن موحد ایران آن را پدید آورد:

«انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید، استوار است که محتوای این اصل در همه شؤون جامعه، سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه جهان، خداست، که همه انسان‌ها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش، محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا، در آن صورت، همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیر اقتصادی در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود. همه امتیازات لغو می‌شوند؛ فقط تقوا و پاکی، ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.»^(۶)

ماحصل آنچه را حضرت امام (ره) به عنوان دست آورد توحید، اعلام می‌دارد

می‌توان در اصول هشت گانه زیر، دسته بندی و ارائه کرد:

- ۱ - انسان باید تنها در برابر ذات اقدس حق تسلیم شود و از هیچ انسانی اطاعت نکند؛ مگر این که، اطاعت او، پیروی خدا باشد.
- ۲ - هیچ انسانی، حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر حق وا دارد.
- ۳ - هیچ فردی حق ندارد، انسان و یا جامعه و یا ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع نموده، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم کند.
- ۴ - قانون گذاری برای پیشرفت و تعالی بشر در اختیار خدای تعالی است؛ چنان که قوانین هستی و خلقت را خداوند مقرر فرموده است، و سعادت و کمال انسان و جوامع، تنها در گروی اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است.
- ۵ - انحطاط و سقوط بشر به علت روی گردانی از خدا و فرامین دینی او و در برابر، گردن نهادن به بندها و زنجیرهای اسارت بر آمده از حاکمیت طاغوت است.
- ۶ - انسان‌ها باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر طاغوت‌ها و طاغوتیانی که آن‌ها را به اسارت می‌گیرند، قیام کنند و خود و جامعه خود را آزاد سازند، تا همگی تسلیم و بنده خدا شوند.
- ۷ - همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند؛ او خالق همه است و همه مخلوق و بنده اویند. اصل برابری انسان‌ها و این که تنها امتیاز انسان بر معیار تقوا و پاکی و دوری از هر پلیدی است، پیام اصل توحید می‌باشد.
- ۸ - نیز بر پایه تفکر توحیدی، با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوایی را در جامعه حاکم می‌سازد، باید مبارزه کرد و هرگز تن به ستم و تبعیض ناروا نداد. (۷)

جامعیت دین در تفکر امام خمینی(ره)

یکی از دست آوردهای تفکر دینی و ابعاد مهم دین‌شناسی امام(ره)، این بود که به حضور دین در همه صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی اعتقاد داشت، و بر اساس این باور، پیوسته تأکید می‌ورزید اسلام، دین جامع و کامل است و در همه شؤون زندگی و

قلمرو حیات مادی و معنوی انسان، دخالت کرده، برنامه و راه حل ارائه نموده است؛ درست بر خلاف پندار کسانی که امروزه اصرار می‌ورزند دین، برنامه ندارد و قادر به پرداختن و دخالت در همهٔ ابعاد زندگی نیست و تنها در بردارندهٔ احکام و اخلاق است که مسائل حقوقی محسوب می‌شوند، نه برنامهٔ زندگی^(۸) اینک به فرازهایی از سخنان امام در زمینهٔ جامعیت برنامه‌های اسلام اشاره می‌کنیم.

«مسلك‌های توحیدی و ادیان آسمانی به همهٔ ابعاد بشر کار دارند؛ از پیش از تولد نوزاد انسانی، نسبت به نظام تشکیل خانواده و چگونگی تربیت او تا دیگر ابعاد زیست او در جهان برنامه دارد...^(۹) اسلام برای این انسانی که همه چیز است یعنی از طبیعت یا ماورای طبیعت تا عالم الوهیت، مراتب دارد. اسلام، تر دارد؛ برنامه دارد. اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد. حظّ طبیعت دارد رشد طبیعی به او بدهد، حظّ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد، حظّ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، حظّ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد، حظّ الوهیت دارد، رشد الوهیت به او بدهد. همهٔ خطوطی که انسان دارد و به طور نقص است، الان نرسیده است، ادیان آمده‌اند که این میوهٔ نارس را رسیده‌اش کنند، این میوهٔ ناقص را کاملش کنند...»^(۱۰)

نیز در جای دیگر، دربارهٔ حدّ دخالت دین در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی می‌فرماید:

«اسلام، مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، و لو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد، گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.»*

این سخنان چنان که اشارت رفت درست عکس آن ادعاهایی است که دین‌گریزان و

غرب زدگان، امروزه در راستای دین زدایی و نفی اسلام احیا شده و جامع نگر امام خمینی (ره) در مجامع عمومی و مراکز آموزشی و دانشگاهی مطرح می‌کنند و به خورد جوانان (نسل دوم انقلاب) و غیر آنان می‌دهند.

البته مبارزه با اسلام، مربوط به اکنون و قشر غریب‌زدهٔ امروزی نیست. چنان که امام دربارهٔ تبلیغات ویرانگر گذشته علیه اسلام و بد معرفی کردن آن می‌گوید:

«تبلیغ کردند که اسلام، دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد، طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است. اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و ادارهٔ جامعه چیزی ندارد. تبلیغات سوء آن‌ها متأسفانه مؤثر واقع شده است. الان گذشته از عامهٔ مردم، طبقهٔ تحصیل کرده، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی، اسلام را درست نفهمیده‌اند و از آن، تصوّر خطایی دارند.» (۱۱)

این جاست که امام (ره) در برابر چنین قرائت ناقصی از دین و اسلام بر می‌آشوبد و با عمل و بیان خود، نشان می‌دهد اسلام، همواره به سرنوشت زندگی مردم و دنیای آنان توجه داشته و دارد:

«این معنا را که کسی بگوید اسلام به زندگی چکار دارد، این جنگ با اسلام است. این نشناختن اسلام است. اسلام با سیاست چکار دارد، این جنگ با اسلام است...» (۱۲) و الله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد... (۱۳) اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است. هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمدند که انسان را به همهٔ ابعادی که انسان دارد بسازند، او را تربیت کنند.» (۱۴)

یکی از راه‌هایی که امام (ره) برای نشان دادن جامعیت اسلام مطرح می‌کند، طرح جامعیت قانونی آن است؛ به این بیان که چون انسان، موجودی اجتماعی است، نیازمند قانون و حکومت است، و از سویی تنها آن قوانینی که بتواند نیازهای انسان را بر آورده ساخته، تمامی مصالح مادی و معنوی او را مدّ نظر داشته باشد، کارساز و مطلوب است؛ زیرا هدف، تأمین سعادت همهٔ جانبهٔ انسان است نه فقط رفاه مادی و نه صرف بُعد

معنوی و روحی او. از سوی دیگر، بشر، فاقد صلاحیت تهیه چنین قوانین جامع و کاملی است؛ زیرا از یک طرف نگاه صرفاً مادی به زندگی دارد و می‌خواهد معیشت خود را تأمین کند و از طرف دیگر به سبب ضعف عقلانی و محدودیت ادراک و نیز دارا بودن انگیزه‌های شخصی یا گروهی از عهده تنظیم چنین قوانین جامعی بر نمی‌آید. از این رو، بر خداوند است که این نیاز را از طریق وحی، برآورده کند؛ و خداوند نیز با فرستادن دین به ویژه دین خاتم این نیاز انسان را برآورده ساخت. (۱۵)

اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی در نظر امام (ره)

امام خمینی (ره) با برخورداری از جامعیت علمی - اسلامی و تیزبینی‌های سیاسی - اجتماعی و نیز قدرت بالای تحلیل مسائل و شناخت مفاهیم دینی - قرآنی، توانست چهره راستین اسلام را تبیین و آشکار نموده، قرائت نوین خود از اسلام را با عنوان «اسلام ناب محمدی (ص)» طرح کند، و در برابر، اسلام تحریف شده و آمیخته به اوهام و زواید را «اسلام آمریکایی» نامیده، تفاوت‌های هر یک را بیان نماید.

توضیح آن که استعمارگران و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ طی چند قرن اخیر» برای مسخ و هویت زدایی از اسلام ناب و استحاله فرهنگی اش همه گونه تلاش‌های مذبحخانه و تهاجم را انجام دادند و آن را به گونه‌ای در آوردند که با اهداف استعماری و ضد دینی و اسلامی آنان هماهنگ و همسوس شده و از آن پویایی و بالندگی و نیز ظلم ستیزی و نقش آفرینی اش در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی فاصله گرفت؛ به طوری که از اسلام جز نام و عنوانی و از مسلمانان پیرو چنین اسلامی جز رسم و ظاهر مسلمانی باقی نمانده است.

اسلام در خدمت کاخ نشینان بی درد و توجیه کننده ظلم و خیانت کسانی چون انور سادات، صدام حسین و نیز اسلام تأیید کننده صلح و سازش ننگین و ذلت بار «کمپ دیوید» با آمریکا و صهیونیسم غاصب اسرائیل، نمونه کامل «اسلام آمریکایی» است.

اینک برای آگاهی بیش‌تر از اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی مورد نظر

امام، فرازهایی از سخنان آن امام عظیم الشان در این باره را ارائه می‌کنیم.

«اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام ائمه هدی (ع) اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت‌ها، کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام، نابودکننده اسلام رفاه و تجمل و اسلام انقطاع و اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی می‌باشد...»^(۱۶) اسلام ناب محمدی (ص) طعم فقر را چشیده، مدافع پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف است...^(۱۷) باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجر گرایی اسلام آمریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم.»^(۱۸)

یکی از تفاوت‌های اساسی اسلام آمریکایی با اسلام ناب محمدی (ص) - که امام (ره) مروج و منادی آن بود - جداسازی دین از سیاست و منحصر کردن اسلام به مسائل عبادی صرف و دعا و مانند آن است؛ همان کاری که به فرموده امام (ره) با آیین مسیحیت کرده‌اند. امام (ره) فرمود:

«یکی از بدترین چیزی که اجانب در بین مردم و در بین خود ما القا کردند، این است که اسلام برای این است که ما همان عبادت بکنیم، چنان که مذهب مسیح را هم مسخ کردند، مذهب مسیح مسخ شد. مسیح هرگز نمی‌شود که دعوتش این باشد که فقط عبادت بکنید، ظلم را بگذارید به کار خودشان. این نمی‌شود، نبی نمی‌تواند این طور باشد، مسخ شده است این‌ها. این‌ها اسلام را در نظر ما، در نظر جاهلین مسخ کردند. اسلام را به صورت دیگر نشان دادند و این از کیدهایی بود که با نقشه‌ها پیاده شده است و ما خودمان هم باور کردیم آخوند را به سیاست چه؟ حرف، حرف استعار است. آخوند را به سیاست چه؟ «ساسة العباد» در دعای جامعه، زیارت جامعه است... چطور امام (ع) را به سیاست آره، اما آخوند را به سیاست نه...»^(۱۹) این معنا که دین از سیاست جداست، این مطلبی است که استعماری‌ها انداخته‌اند در ذهن مردم و می‌خواهند به واسطه این، دو فرقه را از هم جدا کنند، یعنی آن‌هایی که عالم دینی هستند علی‌حده‌شان کنند و آن‌هایی که غیر عالم دینی هستند علی‌حده‌شان کنند،

سیاسیون را از سایر مردم جدا بکنند تا استفاده‌هایشان را بکنند. اگر قوا با هم مجتمع بشوند، آن‌ها می‌دانند که با اجتماع قوا نمی‌توانند این‌ها منافعی را که می‌خواهند ببرند؛ و لهذا دامن به این تفرقه‌ها زده‌اند زیاد.» (۲۰)

نیز امام در سخنانی دیگر، صف روحانیان مروج اسلام آمریکایی را از صف روحانیان منادی اسلام ناب محمدی (ص) جدا کرده، ویژگی‌های هر یک را بر شمرده است:

«بزرگ‌ترین فرق روحانیت و علمای متعهد با روحانی نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهر آگین جهانخواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه، قلب آنان را نشانه رفته است. ولی روحانی نماها در کتف حمایت زر پرستان دنیا طلب، مروج باطل یا ثناگوی ظلم و مؤید آنان بوده‌اند. تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و آمریکای جهان خوار ایستاده باشد. همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان، علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد.» (۲۱)

بنابر شاخصه‌های اسلام آمریکایی از دیدگاه امام (ره)، امروزه سخن گفتن از پایان دوره خصومت با آمریکا و اسرائیل و تلاش برای ارائه یک چهره خوب و دوست از آمریکا، توهّم دانستن توطئه‌ها و دشمنی‌های دشمنان خارجی و استکبار جهانی، ترویج ایسم‌های وارداتی نظیر «سکولاریسم» در جدا انگاری دین از دنیا و نفی آن از صحنه سیاست و مدیریت جامعه و «اومانیزم» انسان محوری در برابر خدا محوری و «پلورالیسم» در نفی وحدت ادیان و حقانیت یگانه «اسلام و مکتب اهل بیت (ع)»، نیز طرح دیدگاه اقلی و اکثری و اقلی دانستن دین در همه زمینه‌ها و ناتوان جلوه دادن دین در ارائه برنامه جهت اداره جامعه و منحصر دانستن دین در تکالیف و حوق پذیر و تکلیف‌گریز معرفی کردن انسان مدرن امروزی و نفی عقلانیت و خردمداری از دین و غیر آن، بدون تردید، ترویج اسلام آمریکایی است.

سخن آخر در این باب این‌که، امام (ره) ضمن دشوار دانستن تشخیص و تمییز اسلام

آمریکایی از اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی را از رسالت‌ها و وظایف مهم دینداران متفکر دانسته، می‌فرمود:

«راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه، روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های مسلمان، مرز بین اسلام و آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد کاملاً مشخص نشده است؛ و روشن ساختن این حقیقت، که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین، دو تفکر متضاد و رو در رو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهمی است.» (۲۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت‌ها:

- ۱- سیاء (۳۴)، آیه ۴۶.
- ۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳-۴، نشر وزارت ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۱.
- ۳- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷.
- ۴- همان، ج ۲، ص ۲۲۷.
- ۵- همان، ج ۱۹، ص ۲۸۳.
- ۶- امام و اسلام، امام و مسائل سیاسی، حکومتی و... تهیه کننده منصور دوستکام و هایده جلالی، ص ۱۸، نشر پیام آزادی.
- ۷- برگرفته از مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۲، زمستان ۷۸، ص ۱۴۲-۱۴۳.
- ۸- ر.ک: از جمله کیان، شماره‌های ۴۱ و ۴۳، مقالات: دین اقلی و اکثری و راز و راز زدایی، عبدالکریم سروش؛ مدارا و مدیریت، ص ۲۵۳ و صفحات دیگر، عبدالکریم سروش، نشر مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۹- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۳-۱۶۴.
- ۱۰- همان، ج ۲، ص ۶-۱۵۵.
- ۱۱- ولایت فقیه، ج ۴-۵، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۶۲.
- ۱۳- همان، ج ۱، ص ۶۵.
- ۱۴- همان، ج ۲، ص ۲۲۵.
- ۱۵- برگرفته از کشف الاسرار، امام خمینی، به ویژه صفحات ۱۸۱-۱۸۴-۲۹۱ و ۳۱۲، انتشارات آزادی، قم.
- ۱۶- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۰.
- ۱۷- همان، ج ۲۰، ص ۱۹۴، با اندکی تصرف.
- ۱۸- همان، ج ۲۱، ص ۲۱.
- ۱۹- همان، ج ۵، ص ۱۶۷.
- ۲۰- همان، ج ۵، ص ۱۰۸.
- ۲۱- همان، ج ۲۱، ص ۷.
- ۲۲- همان، ص ۸، پیام امام خطاب به علما و مردم پاکستان به مناسبت اربعین شهادت علامه سید عارف حسین حسینی، رهبر فقید شیعیان پاکستان که به دست عوامل استکبار جهانی و مزدوران آمریکا (عناصر وهابی سپاه صحابه) به شهادت رسید.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی